

تجلی قرآن در دیباچه بوستان سعدی

(Manifestation of the Qur'an in the preface of *Bostan-e-Saadi*)

Dr. Mohammad Noor-e-Alam*

Abstract

A conversation about Saadi and his works is always fresh. *Bostan-e-Saadi* is one of the mothers of Persian books, which is famous as a "moral book" in the world of literature. Saadi is a mystic poet. He studied *the Holy Quran* a lot. He wrote a book about the influence of the *Qur'an* called *Saadi Nameh* or *Bostan*. This book was written on the Rhythm of *Bahr-e-Motaqareb*. There are ten chapters in this book; each of them is considered to be necessary for the practical life of man at that time and in the present era. *Bostan-e-Saadi's* manifestation in the preface was full of unique *Quranic* verses. All the words and verses of *Bostan's* manifestation in the preface have been used in the best way to express the verses of the *Qur'an*. He became famous in the world about *Golestan* and *Bostan*. The subject of these two books is 'Education'. But one is in verse and the other is in prose. His contribution to the literature of Iran and the world is a valuable and lasting. The number of poems in *Bostan* is about four thousand verses. This mystic poet told the stories of the ordinary life of the people, historical events and justice with *Bostan's* manifestation in the preface verses. In this article the significance of Saadi's borrowing the Quranic verses will be assessed along with the introduction and the characteristics of the poet in *Bostan*.

چکیده: صحبتی مورد سعدی و آثار وی همیشه تازگی است. بوستان سعدی از امهات کتب فارسی است که به عنوان «کتاب اخلاقی» در جهان ادبیات مشهور است. سعدی شاعر عرفانی است. وی قرآن کریم را مطالعه زیادی کرد. او از تأثیر قرآن کتابی به نام سعدی نامه یا بوستان نوشت. این کتاب بر وزن بحر متقارب نوشته شد. در این کتاب ده باب دارد؛ در هر باب به موضوع ضرورت زندگی عملی انسان آن زمان و عصر حاضر هم دیده می‌شود. دیباچه بوستان سعدی پر از آیات قرآن بی‌نظیر است. کلیه لغات و ابیات دیباچه بوستان از تجلی آیات قرآن به بهترین وجه استفاده شده است.

* Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Chittagong

وی درباره گلستان و بوستان در جهان مشهور شدند. موضوع این دو کتاب «تربیت» است. ولی یکی در نظم و دیگری در نثر است. سهم وی از ادبیات ایران و جهان، سهمی ارزشمند و ماندگار است. شماره بیت‌های بوستان در حدود چهار هزار بیت است. این شاعر عرفانی با ابیات دیباچه بوستان، حکایات زندگی عادی مردم، حوادث تاریخی و عدالتی را بیان نمود. در این مقاله بعد از مقدمه و مشخصات شاعر، از آیات قرآنی که در دیباچه بوستان وام گرفته، ذکر شده است.

واژگان کلیدی: آیه قرآن، عدالت، بوستان سعدی، دیباچه بوستان، مردم

آشنایی سعدی:

ابو محمد، مشرف الدین، مصلح، فرزند عبد الله، سعدی شیرازی یکی از برجستگان و مشهورترین شاعر عرفانی و از ستارگان ادبیات جهان است. تذکره نویسان درباره تولد وی تقریباً ۶۰۶ هجری نوشته‌اند. زیرا در کتاب گلستان که در سال ۶۵۶ تصنیف کرده است، اشاره به پنجا سالگی خویش دارد (کاسب، ۱۳۸۱: ۱۶۲) «وی بعد از فردوسی آسمان ادب فارسی را به نور خیره کننده خود روشن ساخت و آن روشنی با چنان نیرویی همراه بود که هنوز پس از گذشت هفت قرن تمام از تأثیر آن کاسته نشده است، و این اثر تا پارسی بر جای است همچنان برقرار خواهد ماند» (ذبیح الله صفا، ۱۳۶۶: ۵۸۶) سعدی نامه یا بوستان منظومه نوین و بی سابقه‌ای که بر وزن بحر متقارب یا وزن شاهنامه فردوسی با موجود آیات قرآن فراوان است. وی در این کتاب اندیشه مردم عادی به سوی زندگی اجتماعی و حکمت عملی نشان داد.

سعدی خواست که «در بوستان اصول سیاسی و اجتماعی لازم برای یک جامعه آرمانی را بیان کند و به انسان عصر خود بیاموزد که چگونه می‌تواند سرنوشت زندگی عملی و سیاسی خود را در دست گیرد و زندگی و جامعه خود را آن طور که می‌خواهد بسازد.» (یا حقی، ۱۳۸۹ هـ.ش: ۸۳)

تجلی قرآن در دیباچه بوستان سعدی
(Manifestation of the Qur'an in the preface of *Bostan-e-Saadi*)

قبیله سعدی عالمان دین بوده‌اند، سال‌ها در حوزه‌های علمی شیراز و نظامیه بغداد درس خوانده و تلقین و تکرار کرده است و روزگاری دراز نیز به گشت و گذار در کشورهای مختلف جهان گذرانده و سیر آفاق و انفس کرده و در نیمه راه عمر در وطن خویش شیراز مقیم شده و به سرودن و نوشتن و تدوین آثار خویش پرداخته است. از سعدی یک دیوان گرانسنگ دارد که مشتمل بر چهار دفتر «غزل» است که خود، آنها را «طیبات»، «بدایع»، «خواتیم» و «غزلیات قدیم» نامیده است. جز این چهار دفتر، در دیوان او؛ قصیده‌های عربی، قصیده‌های فارسی، مرثیه‌ها، ملمع‌ها، مثلث‌ها، یک ترجیع‌بند زیبا، قطعه‌هایی به نام «صاحبیه»، مثنوی‌ها قطعات، رباعیات و مفردات نیز هست. (کاسب، ۱۳۸۱: ۱۶۳-۱۶۴)

سعدی گلستان را با هشت فصل نوشته؛ «در سیرت پادشاهان»، «در اخلاق درویشان»، «در فضیلت قناعت»، «در فواید خاموشی»، «در عشق و جوانی»، «در ضعف و پیری»، «در تأثیر تربیت»، «در آداب صحبت». لحن کلام این شاعر در گلستان ملایم، خوش و لطیفه آمیز است.

بوستان سعدی که رنگی از شاهنامه فردوسی دارد و مثنوی است که وزن شاهنامه فردوسی و بحر متقارب نوشت و مشتمل بر ده باب دارد؛ «در عدل و تدبیر و رای»، «در احسان»، «در عشق و شور و مستی»، «در تواضع»، «رضاء»، «در قناعت»، «در عالم تربیت»، «در شکر بر عافیت»، «در توبه و راه صواب»، «در مناجات و ختم کتاب». ولی دیباچه بوستان زینت یافته است به سخنی مورد توحید و ستایش پیامبر اکرم (ص)، و به شیوه آن روزگاران، مدح سعد- فرزند ابوبکر- حاکم شیراز است. دیباچه سعدی بزرگ است. وی در این دیباچه آیات مختلف قرآن استفاده کرد.

آیات قرآن بر اشعار دیباچه بوستان:

به نام خداوند جان آفرین

حکیم سخن در زبان آفرین

خداوند بخشنده دستگیر

کریم خطابخش پوزش پذیر (سعدی، ۱۳۷۲هـ ش: ۳۳)

حکیم سخن در زبان آفرین: پدیدآورنده سخن در زبان آدمی، اشاره به آیات قرآن: «الرَّحْمَنُ - عَلَّمَ الْقُرْآنَ - خَلَقَ الْإِنْسَانَ - عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (سوره الرحمن: ۱-۴) «خدای» گسترده مهر، قرآن را آموزش داد؛ انسان را آفرید، «بیان» را به او آموزش داد. یعنی خداوند متعال بخشنده قرآن را به پیغمبر آموخت و خواندن را به انسان یاد داد، آدمی را آفرید و او را بیان آموخت. بیان وسیله ایست که از ما فی الضمیر حکایت کند و اندیشه‌های یکی را برای دیگران روشن سازد، از اینرو بیان شامل اشاره و گفتار و نوشتن هر سه می‌شود. نیز اشاره به آیات: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (سوره بقره: ۳۱)

نه گردنکشان را بگیرد به فور

نه عذر آوران را براند بجور (سعدی، ۱۳۷۲هـ ش: ۳۴)

نه گردنکشان را بگیرد به فور: اشاره دارد به آیه «وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَفُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجْلُهُمْ فَنَذَرَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ» (سوره یونس: ۱۱) = «اگر (بر فرض) خدا برای مردم (در پذیرش نفرین و مجازات) بدی [ها]، شتاب می‌کرد همچون شتاب جویی آنان در نیکی [ها]، حتماً برای آنان سرآمد (عمر)شان فرا می‌رسید؛ و [الی] کسانی را که امید به ملاقات ما ندارند، و می‌گذاریم در حالی که در طغیانشان سرگردان می‌شوند. قسمتی از این آیه چنین مقرر می‌دارد: «إِنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا» = «به کافران مهلت می‌دهیم، تا بر گناه خود بیفزایند.»

نه عذر آوران را براند بجور: وام گرفته از آیات قرآن «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ» (آیا ندانسته‌اند که خدا، خود توبه را از بندگانش می‌پذیرد)؛ بجور و بغور قید وصفی هستند و از این جهت متصل نوشته شده‌اند. (خزائلی، ۱۳۷۲هـ ش: ۳۴)

دو کونش یکی قطره از بحر علم

تجلی قرآن در دیباچه بوستان سعدی
(Manifestation of the Qur'an in the preface of *Bostan-e-Saadi*)

گنه بیند و پرده پوشد به حلم

ادیم زمین سفره عام اوست،

بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست (سعدی، ۱۳۷۲هـ ش: ۳۵)

«دو کون»: کون با فتح اول مصدر است به معنی بودن که به معنی کائن، دارای وجود هم بکار می‌رود. اشاره از دو کون دنیا و آخرت است و مصراع اشاره به آن دارد که علم خدا به هر یک از موجودات سبب خلق آن موجود است و چون صفات خداوندی، عین ذات و عین یکدیگر می‌باشد. اراده و علم حق یکی است. سعدی این کلمه از آیات قرآن کریم وام گرفت: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (هنگامی که چیزی را بخواهد، فرمان او فقط این است که به آن می‌گوید: «باش!» پس [فوراً موجود] می‌شود). با این تعبیر ظاهر می‌شود که علم حق به معدوم تعلق نمی‌گیرد و وجود هر چیز با علم خدا به آن چیز همراه است.

«ادیم زمین سفره عام اوست»: در این مصراع سعدی «ادیم» به معنی روی زمین و «عام» مخفف «عام با تشدید است» این مصراع اشاره دارد به آیه قرآن: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» (سوره ملک: ۱۵) (او کسی است که زمین را برای شما رام قرارداد، پس در اطراف آن راه بروید و از روزی‌اش بخورید؛ و زنده کردن (مردگان) فقط به سوی اوست).

«یغما» شهری بوده در ترکستان که مردم زیبا و دلیر داشته. مجازاً یغما بر غارت و چپاول نیز که شاید نمودار دلیری مردم آن شهر بوده است اطلاق شده، مراد از «خوان یغما» سفره‌ایی است که از مال غارتی و باد آورده فراهم شده و به همین مناسبت کسی را از بهره‌مندی مانع نمی‌شوند، در اینجا مقصود این است که دشمن و دوست از خوان بیدریغ خداوندی روزی می‌خورند و هیچکس از آن محروم نمی‌شود. (خزائلی، ۱۳۷۲هـ ش: ۳۵)، شاعر بلند آوازه و لسان‌الغیب حافظ شیرازی در شعرش «خوان یغما» استفاده کرد و گفت:

فغان کاین لولیان شوخ شیرین کار شهر آشوب

چنان بردند صبر از دل که ترکان **خوان یغما** را (حافظ شیرازی، ۱۳۶۲ ش: ۴)

لطیف کرم گستر کار ساز

که دارای خلقت و دانای راز (سعدی، ۱۳۷۲ هـ ش: ۳۷)

«لطیف» یکی از نام‌های خداوند متعال است که در قرآن ذکر شد: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» (سوره انعام: ۱۰۳) (چشم‌های او را در نمی‌یابند؛ ولی او چشم‌ها را در می‌یابد؛ و و لطیف و آگاه است.»

«دارای خلق» اشاره است «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ» (سوره اعراف: ۵۴)

مر او را رسد کبریا و منی،

که ملکش قدیمست و ذاتش غنی (سعدی، ۱۳۷۲ هـ ش: ۳۸)

«کبریا» به معنی عظمت و جبروت است که از آیات قرآن گرفته شد: «وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (سوره جاثیه: ۳۷) و «منی» یعنی من بودن، بی نیاز و استقلال داشتن، این بیت اشاره به خداوند متعال است که وی بی نیاز هستند، همه چیز پیش خداوند نیازمند است.

یکی را به سر بر نهد تاج بخت

یکی را به خاک اندر آرد ز تخت (سعدی، ۱۳۷۲ هـ ش: ۳۸)

خداوند به هر که می خواهد پادشاهی می دهد و از هر که می خواهد پادشاهی می - گیرد. بیت مذکور اشاره به آیات قرآن است: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (سوره آل عمران: ۲۶)

گلستان کند آتشی بر خلیل

گروهی به آتش برد ز آب نیل (سعدی، ۱۳۷۲ هـ ش: ۳۸)

بیت مذکور اشاره به حکایت قرآن کریم درباره نجات از آتش نمود، مورد حضرت ابراهیم (ع) است که آیات قرآن ذکر شد: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» (سوره

تجلی قرآن در دیباچه بوستان سعدی

(Manifestation of the Qur'an in the preface of *Bostan-e-Saadi*)

انبیاء : ۶۹)، «گفتیم، ای آتش! بر ابراهیم سرد و سالم باش» در قرآن کریم لقب خلیل درباره حضرت ابراهیم آیات دیگر مقرر گردیده است: «وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا» (سوره نساء : ۱۲۵)، مصراع دوم سعدی اشاره به حکایتی است که حادثه‌ای در دریای احمد و رود نیل اتفاق افتاده بود؛ مورد حضرت موسی (ع) و بنی اسرائیل است که «فرعونیان» در دریای نیل غرق شدند و به دوزخ رفتند.

فروماندگان را به رحمت قریب

تضرع کنان را به دعوت مجیب (سعدی، ۱۳۷۲ هـ ش: ۴۰)

بیت مذکور سعدی «قریب» یعنی نزدیک و «مجیب» یعنی پاسخ دهنده یا اجابت کننده است. سعدی این دو کلمه از تأثیر این آیات قرآن نوشت: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (سوره بقره : ۱۸۶) = و وقتی که بندگانم، از تو درباره من بپرسند، پس (بگو): در حقیقت من نزدیکم؛ دعا کننده را به وقتی که (مرا) می خواند، پاسخ می گویم. پس باید (دعوت) مرا قبول کنند، و باید به من ایمان بیاورند، باشد که آنان راه یابند.

قدیمی نکوکار و نیکی پسند

به کلک قضا در رحم نقشبند (سعدی، ۱۳۷۲ هـ ش: ۴۰)

«نکوکار» یعنی محسن است و یکی از صفات خداوند منان است که در آیات قرآن ذکر شد: «وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ» (سوره قصص : ۷۷) و «نیکی پسند» اشاره به آیات در جاهای فراوان قرآن آمده است «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (سوره بقره: ۱۹۵) یعنی خداوند حتماً نیکوکاران را دوست می دارد. و «در رحم نقشبند» اشاره به آیات قرآن: «هُوَ الَّذِي يُصَوِّرْكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (سوره عمران: ۶) یعنی او کسی است که

شما را در رحم‌ها آنچنان که می‌خواهد صورت‌گری می‌کند، هیچ معبودی جز آن شکست ناپذیر فرزانه نیست.

ز مشرق به مغرب مه و آفتاب،

روان کرد و بنهاد گیتی بر آب (سعدی، ۱۳۷۲ هـ.ش: ۴۱)

خداوند منان در این دنیا ماه و آفتاب را از مشرق به مغرب روان ساخت و جهان را بر آب بنا نهاد. سعدی شیرازی در عبارتش «روان کرد و بنهاد» به آیات قرآن اشاره نمود: «وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (سوره هود: ۷) و تخت (جهان‌داری و تدبیر هستی) او بر آب بود؛ تا شما را بیازماید که کدامین شما نیکوکارتر است. و در آیه دیگر ذکر شده است که «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ» (سوره انبیاء: ۳۰) یعنی هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم، پس آیا ایمان نمی‌آورند؟!

زمین از تب لرزه آمد ستوه

فرو کوفت بر دامنش میخ کوه (سعدی، ۱۳۷۲ هـ.ش: ۴۱)

بیت مذکور سعدی کاملاً از آیات قرآن گرفته شد: «وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَاراً وَسُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (سوره نحل: ۱۵) یعنی در زمین، (کوه‌های) استواری افکند (مبادا) که شما را بلرزاند؛ و نهرها و راه‌هایی (قرار داد) تا شاید شما را راهنمایی شوید. آیه دیگر همین اشاره شد: «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا - وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا» (سوره نبا: ۶-۷) یعنی آیا زمین را بستر قرار ندادید؟ و کوه‌ها را میخ میخ‌هایی؟

نهد لعل و پیروزه در صلب سنگ

گل لعل در شاخ پیروزه رنگ (سعدی، ۱۳۷۲ هـ.ش: ۴۲)

مفهوم بیت مذکور سعدی این است که خداوند در نهان برخی از سنگ‌ها خواصی می‌گذارد که به صورت دو سنگ قیمتی فیروزه و لعل ظاهر می‌شوند و همچنین در شاخه درخت که سبز و هم‌رنگ با فیروزه است، گل‌های سرخ فام به رنگ لعل به وجود می‌آورد. (خزائلی، ۱۳۷۲ هـ.ش: ۴۲) در آیات قرآن کریم آمد: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ

تجلی قرآن در دیباچه بوستان سعدی
(Manifestation of the Qur'an in the preface of *Bostan-e-Saadi*)

تُوقِدُونَ» (سوره یس: ۸۰) یعنی کسی که برای شما از درخت سبز، آتشی قرار داد، و شما در هنگام (نیاز) از آن (آتش) می‌افروزید.

دگر ره به کتم عدم در برد

وز آنجا به صحرای محشر برد (سعدی، ۱۳۷۲هـ ش: ۴۲)

در بیت مذکور «کتم» به معنی نهان کردن، اصطلاحاً در معنی مرگ بکار رفته است. شاعر در این کلمه مطلب آیات قرآنی اشاره کرد: «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (سوره بقره: ۲۸) یعنی چون که خدا را انکار می‌کنید و حال آنکه مردگانی بودید و شما را زنده کرد، سپس شما را می‌میراند، سپس شما را زنده می‌کند. سپس فقط به سوی او باز گردانده می‌شوید.

محیطست علم ملک بر بسیط

قیاس تو بر وی نگردد محیط (سعدی، ۱۳۷۲هـ ش: ۴۴)

سعدی در بیت مذکور صفات خداوند متعال را ظاهر کرد و انسان را به عنوان محدود شماره نهاد. در بیت شاعر «محیط است» یعنی علم الهی که پادشاه عالم وجود است بر همه پهنه جهان احاطه دارد و انسان که در این جهان جزئی بسیار کوچک است، وی درباره علم خدا احاطه نتواند یافت. این بیت ناظر است از آیه قرآن: «وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» (سوره بقره: ۲۵۵) یعنی و به چیزی از علم او احاطه نمی‌یابند جز به مقداری (که او) بخواهد. پایتخت (علم و قدرت) او، آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته؛ و نگاهداری آن دو بر او دشوار نیست. و او بلند مرتبه (و) بزرگ است.

مگر بویی از عشق، مستت کند

طلبکار عهد الستت کند (سعدی، ۱۳۷۲هـ ش: ۴۶)

در بیت بالای سعدی کلمه «الست» از قرآن کریم گرفته شده است. خداوند متعال در قرآن کریم گفت: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» (سوره اعراف : ۱۷۲) و (یاد کن) هنگامی را که پروردگارت از فرزندان آدم، از پشت (و صلب) شان، نسل آنان را برگرفت؛ و آنان را بر خودشان گواه ساخت؛ (و فرمود) آیا پروردگار شما نیستیم؟ گفتند: «آری، گواهی می دهیم.» (این گواهی را گرفت) تا مبادا روز رستاخیز بگویند: «براستی که ما از این (مطلب)، غافل بودیم.»

امام رسل پیشوای سبیل

امین خدا مهبط جبرئیل (سعدی، ۱۳۷۲هـ ش: ۴۷)

بیت سعدی مذکور کلمه «امین» یعنی درست کردار و امامت دار، لقب رسول اکرم (ص) است که در قرآن مجید اشاره شده است: «مُطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٍ - وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ» (سوره تکویر : ۲۱-۲۲) که در آنجا (در میان فرشتگان، فرمان او) اطاعت شده (و) درستکار است و همنشین شما (پیغمبر) دیوانه نیست.

کلیمی که چرخ فلک طور اوست

همه نورها پرتو نور اوست (سعدی، ۱۳۷۲هـ ش: ۴۸)

سعدی در بیت بالا حکایت حضرت موسی (ع) که در کوه طور اتفاق افتاد و این حادثه در قرآن کریم توضیح شده، اشاره نمود. «کلیم» به معنی «همسخن» و اصلاً لقب حضرت موسی صاحب کتاب آسمانی تورات است. این بیت شاعر مقتبس از آیات قرآن است: «وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا» (سوره نساء : ۱۶۴) مراد از «کلیم» در اینجا حضرت محمد (ص) است که بر موسی مزیت داده شده، زیرا طور رسول اکرم، چرخ یعنی عرش الهی است که به آنجا عروج فرمود. (خزائلی، ۱۳۷۲هـ ش: ۴۸)

چو عزمش بر آهیخت شمشیر بیم

به معجز میان قمر زد دو نیم (سعدی، ۱۳۷۲هـ ش: ۴۹)

تجلی قرآن در دیباچه بوستان سعدی

(Manifestation of the Qur'an in the preface of *Bostan-e-Saadi*)

در بیت بالای سعدی «به معجز» اقتباس از قرآن کریم است: «أَفْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ» (سوره قمر: ۱) یعنی قیامت نزدیک شد و ماه شکافت. شق القمر، یعنی شکافتن ماه، یکی از معجزات رسول خدا (ص) است و بزرگترین معجزه او قرآن کریم است که از شق القمر در حقیقت بزرگتر است و به وسیله قرآن، عرب متعصب دیر باور نزاع دوست و اختلاف جوی را به صورت امتی واحد در آورده است. شق القمر در شعر امیه بن ابی صلت یکی از شعرای جاهلیت نیز آمده است و منجمان جدید معتقدند که ر قمر زمین انشقاقی حادث شده است. (خزائلی، ۱۳۷۲ ش: ۴۹)

چنان گرم در تیه قربت براند

که بر سدره جبریل ازو بازماند (سعدی، ۱۳۷۲ هـ ش: ۵۰)

در بیت مذکور سعدی شیرازی از کلمه «تیه» یک وادی مشهور را شماره نمود که حضرت موسی (ع) و بنی اسرائیل مدت چهل سال در آن وادی گمشده بودند و این کلمه از آیات قرآن مقتبس است که در قرآن آمده: «قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» (سوره مائده: ۲۶) در اینجا مجازاً از نظر وسعت و بی پایانی، بر جایگاه قرب کامل به حق که محاط در حیرت است. اطلاق گردیده و مراد این است که حضرت پیغمبر بر اسب براق بنشست و در وادی بی پایان قربت، توسن براند (خزائلی، ۱۳۷۲ ش: ۵۰) در آن بیت کلمه دیگر «سدره» یعنی سدره المنتهی یکی از نام درخت در بهشت است و در پیشگاه عرش، نام این درخت در قرآن مجید آمده: «عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى» (سوره نجم: ۱۴) اینجا می گوید که حضرت جبرائیل از سدره المنتهی دیگر قدرت پرواز نداشت و حضرت رسول اکرم (ص) از این مقام برتر رفت و این امر مبین آن است که انسان کامل بر مقربترین فرشتگان مزیت و کرامت دارد.

اگر دعوتهم رد کنی ور قبول،

من و دست و دامان آل رسول (سعدی، ۱۳۷۲ هـ ش: ۵۲)

در بیت مزبور «آل رسول» خانواده رسول اکرم (صلعم) که درباره آنان آیات قرآن نازل شد: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (سوره احزاب: ۳۳) در این آیات آنان را شامل مزیت تطهیر ساخته است و درباره فضیلت آنان حدیث فراوان از رسول اکرم (ص) بیان شد.

که باشند مشتی گدایان خیل

به مهمان دار سلامت طفیل (سعدی، ۱۳۷۲هـ ش: ۵۲)
در اینجا سعدی «دارالسلام» از آیات قرآن وام گرفته «لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سوره انعام: ۱۲۷) بعضی دارالسلام یکی از درجات بهشت است در اینجا هم ممکن است مراد این بهشت باشد.

فطوی لباب کبیت العتیق

حوالیه من کل فج عمیق (سعدی، ۱۳۷۲هـ ش: ۵۷)

اینجا «بیت العتیق» و «من کل فج عمیق» از قرآن گرفته از قرآن کریم: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ» (سوره حج: ۲۷) و «ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (سوره حج: ۲۹) یعنی خانه کعبه آزاد است که زائران از سراسر جهان خوشحالی از راههای مختلف می آیند. این حج شروع شد از زمان حضرت ابراهیم (ع)، با دعوت حضرت ابراهیم پیدگان و سواران بر اشترهای لاغر به زیارت خانه کعبه شتافتند و «فج» با فتح اول بمعنی راه باریک است و جمع آن «فجاج» بکسر اول است.

سکندر به دیوار رویین و سنگ، * بکرد از جهان راه یاجوج تنگ

تراسد یاجوج کفر از زراست * نه رویین چو دیوار اسکندر است (سعدی، ۱۳۷۲هـ

ش: ۵۹)

در بیت بالا «یاجوج» در قرآن مجید ذکر شده، آنان مردمی خطرناک بوده‌اند که بخ موجب بیان قرآن، ذوالقرنین برا رفع هجوم آنان به اقوام دیگر، سدی از آهن و روی کشیده

تجلی قرآن در دیباچه بوستان سعدی

(Manifestation of the Qur'an in the preface of *Bostan-e-Saadi*)

است و سد سکندر در ادبیات فارسی معروف است. آیه قرآن: «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا - قَالُوا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا - قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا» (سوره کهف: ۹۳-۹۵) در آیات مزبور «یأجوز کفر» مراد پادشاهان مغول است که اتابکان با پرداخت شمش های زر از حمله آنان به قلمرو پارس پیش پیری کرده‌اند. (خزائلی، ۱۳۷۲ هـ ش: ۵۹)

جهان آفرین بر تو رحمت کناد

دگر هرچه گویم فسون است و باد (سعدی، ۱۳۷۲ هـ ش: ۶۱)

در این بیت «فسون» اشاره به آیه: «وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ» (سوره فلق: ۴)

نه کشور خدایم نه فرماندهم * یکی از گدایان این درگهم (سعدی، ۱۳۷۲ هـ ش: ۶۵)

سعدی در این بیت گفت «نه کشور خدایم نه فرماندهام» یعنی درگاه حق این چنین گوید و در آستان خداوند، اظهار دارد که او خداوند کشور و فرمانده واقعی نیست و تمام قدرت فقط برای خداست. این ابیات ناظر است از آیه قرآن: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران: ۲۶)

حکایت کنند از بزرگان دین،

حقیقت شناسان عین الیقین، (سعدی، ۱۳۷۲ هـ ش: ۶۵)

اینجا «عین الیقین» مقتبس است از قرآن کریم: «ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ» (سوره

تکواثر: ۷) یعنی سه درجه دارد که عین الیقین، علم الیقین و حق الیقین.

نتیجه گیری

با توجه به مباحثه روایات‌های مذکور نتیجه می‌گیریم که دیباچه بوستان سعدی پر از آیات قرآن است. سعدی قرآن کریم را بسیار تلاوت کرد و از آن متأثر شده بود. بدینوسیله

وی دیباچه بوستان را ۲۱۵ بیت نوشت و در آن بسیار آیات قرآن استفاده نمود. وی اولین بیت دیباچه بوستان نوشت «سخن در زبان آفرین» آفریننده سخن در زبان آدمی اشاره دار به آیات قرآن «الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه البیان» گرفت. وی آخرین بیت دیباچه درباره طریقت نوشت. مراد طریقت اهل صفا و سلوک است. عرفا معتقدند علاوه بر اینکه هرکس باید مطیع شریعت باشد، باید طریقتی نیز گزیند. از این رو صوفیان و عارفان را اهل طریقت نیز می‌نامند. بدینوسیله می‌توانم گفت که سعدی هرچه در دیباچه بوستان نوشت از تأثیر قرآن نوشت.

منبع و مأخذ:

۱. ذبیح الله صفا، دکتر (۱۳۶۶هـ ش): تاریخ ادبیات در ایران، جلد سوم، بخش اول، انتشارات فردوسی، تهران- ایران.
۲. یاحقی، دکتر محمد جعفر (۱۳۸۹): کلیات تاریخ ادبیات فارسی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، تهران- ایران.
۳. خزائی، دکتر محمد (۱۳۷۲ هـ ش): شرح بوستان، چاپخانه محمد حسن علمی، چاپ نهم، تهران- ایران.
۴. سعدی، مصلح الدین (۱۳۷۲هـ ش): بوستان سعدی، چاپخانه محمد حسن علمی، تهران- ایران.
۵. حافظ شیرازی، خواجه شمس الدین محمد (۱۳۶۲هـ ش): دیوان حافظ، انتشارات نوین، تهران- ایران.
۶. کاسب، استاد عزیز الله (۱۳۸۱هـ ش): زندگینامه شاعران ایران، انتشارات گلی، تهران- ایران.